

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَيْفَ يَكُمُ إِذَا
فَسَدَتْ سِنَاؤُكُمْ وَفَسَقَ شَبَابُكُمْ وَلَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ
وَلَمْ تُنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؟

وسایل الشیعه ج ۱۱

پژوهشی پیرامون علل انحرافات اخلاقی دختران جوان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آنچه در ذیل خواهد
که در سال ۶۳
انجمن اولیاء و
بی شک به عنوان اولین کارپژوهشی خالی از نقص و اشکال
است.

آمد خلاصه ایست از یک تحه
توسط واحد پژوهشهای تربی
مربیان صورت پذیرفته اس

در جوامع متمدن معمول و مرسوم است که زمانی به سراغ مجرم میروند که جرم صورت پذیرفته و قصد مجازات مجرم را دارند. لیکن احکام قضایی اسلام هدف از تعزیر و مجازات را اصلاح فرد و جامعه و پیشگیری از تکرار و شیوع جرائم می‌داند نه انتقام از مجرم و تشفی وجدان قانون، ولذا چگونگی این قوانین مبتنی بر شناخت شرایط و عوامل و زمینه‌های وقوع جرم است.

و کلاً رد پای ناسازگاریها و عیصیانها و خلافکاریها و سرانجام اعمال ضد اخلاقی را باید در علل و عواملی چند سراغ گرفت از جمله تاثیرات منفی اجتماعی از قبیل رواج فساد و فحشا، وسایل ارتباط جمعی فاسد، عدم اجرای صحیح قوانین نقایص موجود در نظام آموزش و پرورش، وضعیت فرهنگی و اقتصادی جامعه، نارسائیها و اختلالات روحی و

اما شاید مهمترین عامل رابتوان "خانواده" و تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم تربیتی آن دانست چه در آنجا که باید آموزیها و برخوردهای ضد تربیتی الگوهایی غلط پیش روی فرزندان می‌گذارند و چه در آنجا که با تسامح و اهمالکاری در تربیت، زمینه‌های فساد و تباهی آنها را فراهم می‌آورند و شاید بر مبنای همین اهمیت است که یکی از کارشناسان تربیت میگوید: "هر دادگاهی که برای محاکمه کودکان تشکیل میشود نخست لازم است والدین او در آن محاکمه شوند."

البته مدرسه و مسائل داخل آن نیز مجموعه ایست از عوامل تربیتی و چنانچه محیط آن جذاب نباشد و دروس متناسب با روحیات دانش آموزان تنظیم نشود، مربیان به پرورش بچه‌ها توجهی نکرده و بروز علائم ناسازگاری

دانش آموزان را پیگیری و بر طرف ننمایند این فضای آموزشی رسالت خویش را در تربیت انجام نداده و حتی بر خلاف آن عمل نموده است. حال باید دید با توجه به هشدار که حضور این همه مجرمین نوجوان و جوان در مراکز اصلاحی و بازسازی تربیتی به مسئولین اجتماعی میدهد آنها چه وظایفی در پیشگیری از تکرار این مسائل داشته و چه تدابیری لازم بنظر میرسد.

۱- در بعد آموزش و پرورش: آموزش و پرورش تعیین کننده صلاح و فساد جامعه است، لذا باید برنامه ریزیهای آن بانهایت دقت و توجه انجام پذیرد. در تدوین کتب درسی توجه به ضرورت‌های جامعه، روحیات دانش آموزان در هر سن، مختصات فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی استانها و مناطق امری اجتناب ناپذیر است و مهم ترین وظیفه آموزش و پرورش در این باب افزایش آگاهیها و معلومات ضروری مربیان و اولیاء در زمینه‌های تربیتی است.

۲- در بعد قانونی و قضایی: شایسته است قانونگذاران و پیگردهای اجرایی آن تنها متوجه مجرم نبوده و تمامی عوامل و زمینه‌های اجتماعی اعم از مراکز تفریحی و وسایل ارتباط جمعی و و دقیقاً "تحت کنترل قرار گیرند."

۳- ایجاد مراکز فعالیت و تفریح سالم برای گروههای سنی و جنسی مختلف.

۴- توسعه مراکز مشاوره و راهنمایی و تاسیس کلینیکهای روانشناسی جهت مراجعه اولیاء و مربیان و کسب راه حل برای مشکلات فرزندان. این تحقیق در کانون حمایت و هدایت اسلامی و بین ۱۵۷ نفر از خواهرانی که در این مرکز سرپرستی می‌شده‌اند انجام پذیرفته است.

- متوسط سن افراد مورد تحقیق ۱۹ سال بوده است.

در مورد تقریباً $\frac{1}{5}$ این افراد ازدواج و طلاق از مهمترین تحولات زندگی آنها بود.

در این مقطع سنی مسئله بلوغ و آشنائی با مسائل جنسی برای دختران مطرح می‌شود لذا نظارت و کنترل و آگاه ساختن فرزندان امریست ضروری.

در مورد وضعیت تأهل : ۵۷ نفر از این افراد مجرد هستند که ۴۵ نفر آنها قبلاً " مناهل بوده و طلاق گرفته اند در مورد علت طلاق این عوامل ذکر شده‌اند : اختلاف با خانواده شوهر ، عدم تفاهم اخلاقی با شوهر، اشکال در عمل زناشویی بیکاری شوهر، روابط نامشروع طرفین، اختلاف سنی و

نکته قابل توجه این است که سن ازدواج این افراد بین ۱۵ - ۱۲ سالگی بوده است و مدت زندگی مشترک بین ۲۵ روز تا ۶ سال :

نکات فوق ضرورت دقت و هوشیاری در امر ازدواج را نشان می‌دهد. والدین باید در مورد سن ازدواج دختران دقت کرده و در صورت عدم آمادگی جسمی و روحی آنها را وادار به این امر ننمایند .

بعلاوه در مورد طرفین از لحاظ خصوصیات فکری و اخلاقی تحقیق کامل به عمل آورند تا از ازدواجهای ناموفق پیشگیری شده باشد .

در مورد روابط خانوادگی و اخلاق خانواده ۴۴ درصد روابط خود را با والدین ۳۰ درصد با خواهران و برادران بد توصیف کرده‌اند، ۵۵ درصد نیز اظهار نموده‌اند که بین والدینشان اختلاف وجود داشته است .

از بین رفتن صفا و صمیمیت در خانواده و احساس امنیت و آسودگی نکردن در آن سبب سستی پایبندی فرزندان و گسستن آنها از آغوش خانواده می‌گردد .

از نظر تحصیلات : ۲۲ درصد مطلقاً " سواد نداشته‌اند . ۳۱ درصد در حد ابتدائی، ۳۴ درصد در حد راهنمایی و ۱۱ درصد تحصیلات دبیرستانی داشته‌اند .

افزایش معلومات که در نتیجه سواد داشتن بوجود می‌آید موجب باروری فکر، تعقل انسان و افزودن قدرت مقاومت و حل مشکلات می‌گردد . مطالعه کتب و جزواتی عقیدتی و اخلاقی در زمینه حفظ حجاب، عفت و پاکدامنی و . . . بی- شک در ساختار تربیتی روان افراد اثر می‌گذارد .

در مورد علل توقف و عدم ادامه تحصیل ۱۱ مورد ازدواج را قید کرده‌اند ۲۲ مورد عدم علاقه، ۱۰ مورد عدم امکانات و دور بودن مدرسه و ۳۵ مورد هم عدم رضایت والدین، آشوبهای داخل خانه را ذکر کرده‌اند .

چه بسا اگر این افراد ادامه تحصیل می‌دادند با دلسوزی مربیان و تجربیاتی که خود بدست می‌آوردند دچار چنین مسائلی نمی‌شدند .

در مورد بیماریها ۱۱ مورد بیماری عفونت مجاری ادرار و ۱۲ مورد ناراحتیهای عصبی را ذکر کرده‌اند . که ناشی از حوادث و فشارهای روحی بعد از فرار بوده است .

در مورد اعتیاد از ۲۵ پاسخ ۲۰ مورد مثبت بوده‌است . اعتیاد مسئله ایست که شخص را به هر عملی وادار می‌سازد بخصوص برای زنان و دختران که اغلب جریانهای فساد اخلاق هم برایشان پیش می‌آورد .

تحولات زندگی پس از ۱۲ سالگی : ۲۱ مورد ازدواج و طلاق، ۱۱ مورد فوت والدین و اختلافات خانوادگی . بقیه جوابها متفرقه بوده است .

تشکیل داده است .

در مورد اینکه آیا دوستی از جنس مخالف داشته اند از ۶۰ پاسخ ۴۰ پاسخ مثبت بسوده است که از این تعداد ۲۰ نفر اعتراف به روابط نامشروع خود نموده اند .

متوسط سن فرار این افراد ۱۶ سال و سابقه آن مکرر بوده حتی تا ۵۰ بار هم ذکر نموده اند . البته تکرار فرار می تواند بدلیل ادامه همان عوامل اولیه فرار باشد که این افراد اختلافات خانوادگی ، عاشق شدن را نام برده اند . گاه عدم پذیرش خانواده بدلیل اولین فرار و یا مواجه شدن با مشکلات جدید نیز میتواند موجب تکرار فرار گردد . این فرارها اغلب به همراه دوست پسر دوست دختر و خواهر صورت گرفته است .

در مورد اعتیاد والدین از ۲۹ نفر ۱۸ نفر اعتراف به اعتیاد پدر نموده اند . کاهش قدرت کنترل خانواده و بصورت موجودی جامد در حال خماری و نشنگی در گوشه های نشستن و بدتر از همه به خانه آوردن دوستان معتاد و فاسد بی شک زمینه های اعتیاد و انحراف سایر اعضاء را نیز فراهم می آورد .

در مورد مشاهدات و مطالعات این افراد که مطمئنا " بخشی از ساختمان فکری آنها را تشکیل داده و در تحریک روحیات آنها موثر بوده باید گفت : ۳۹ درصد فیلمهای غم انگیز و ماجراهای پلیسی را ذکر نموده اند . که میتواند نشاندهنده هیجانات و ماجراجوییها و افسردگی شدید این افراد باشند . مطالعات این افراد را نیز اغلب کتب عشقی و ماجراهای افراد قریب خورده

